

پارادایم جهانی شدن

و سهم و نقش جمهوری اسلامی ایران در آن

دکتر محسن یزدانی زاده^۱ - ناصر حبیبی^۲

چکیده

در این موضوع که دهه‌های اخیر تحولات و رخداد‌های همگرایانه‌ای در سطح جهان به وقوع پیوسته و آینده‌ای بسیار متمایز و متفاوت از گذشته و امروز را، فراروی بشریت قرار داده، هیچ اختلاف نظری نیست و کلیه متفکرین و اندیشمندان جهان با هر نگاه و گرایشی بر آن اتفاق نظر دارند و قرائن و شواهد موجود نیز به خوبی نشان می‌دهند که وضعیت جدیدی در راه است و نوعی تغییر و دگرگونی شگرف و بنیادینی در مناسبات - و قوانین جهانی و الزامات مرتبط با آن در حال اتفاق افتادن است که در این مقاله پس از تبیین تئوری پارادایم و انطباق شرایط و خصوصیات موجود در مناسبات جهانی با مفهوم پارادایم، تغییرات شگرف آینده، تعریف مصداقی دقیقی از پارادایم جهانی شدن معرفی می‌شود.

این مقاله بر آنست تا نشان دهد در پارادایم جهانی شدن، قوانین و مقررات دیگری متناسب با مقتضیات خاص خود وضع و ابعاد و ظرفیت‌های جدیدی ناشی از وقوع پارادایم مذکور در سطح بین‌المللی ایجاد خواهد شد.

واژه‌های کلیدی

پارادایم، جهانی شدن، آینده‌نگری و تحولات.

مقدمه

قرآن کریم در مورد خلقت انسان می‌فرماید: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (والتین 4) و یا در فراز دیگری می‌فرماید: وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء 70) همچنین آیه مبارکه فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (مؤمنون 14) مدنظر است که همگی نشان‌دهنده جایگاه رفیع و منیع انسان کامل در قرآن می‌باشند و در مورد همین انسان کامل است که ایزدمنان، فلسفه خلقت آدم را ایجاد منصب‌والای خلیفه‌اللهی ذکر می‌فرمایند.

گرچه هدف‌گذاری از خلقت آدمی و فلسفه وجودی انسان بسیار متعالی و ارزشمند قلمداد شده ولی نگاه اجمالی به گذشته تاریخ بشر به جز نقاط بسیار نادر، سراسر سیاه و غیرقابل قبول می‌نماید و گویای فاصله فاحش بین بشریت موجود و انسان کامل است با این وجود در تحلیل تاریخ گذشتگان باید اذعان داشت که سیر تحولات انسانی یک منحنی رو به رشد و رو به کمالی را پیموده است. به عبارت دیگر مقایسه انسان‌های هر عصر و دوره با اعصار و دوره‌های ما قبل از آن (من‌حیث- المجموع) بیانگر رشد و کمال نسبی و حرکت در جهت تعالی و بالغ شدن است. هر چند فاصله با نقطه مطلوب و مفروض فوق‌العاده زیاد و عمیق می‌باشد ولی در عین حال روند رو به رشد و ارتقاء در یکی، دو قرن گذشته و به‌خصوص در دهه‌های اخیر شتاب فوق‌العاده‌ای یافته و به‌صورت جهشی در حال حرکت و گام برداشتن است. اینکه آیا حرکت‌های پرشتاب فعلی جهت و هدف خاصی دارد و نقطه معینی را هدف قرار داده یاخیر مستلزم بررسی، غور و تتبع در موضوع است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

موضوع دیگری که در جریان تحولات اخیر کاملاً بارز و مشهود است، انقلاب عظیم فناوری ارتباطات و اطلاعات است که پهنه گیتی را به‌شدت کوچک و فاصله‌ها

فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و روند جهانی شدن اقتصاد، علم و فناوری، زمینه‌های دست‌یابی ملت‌های مستقل و کشورهای در حال توسعه را به فناوری‌های راهبردی بسیار پیشرفته ارتقا بخشیده و این مسئله موجب شده تا بخش اعظم جامعه جهانی از علوم و فناوری‌های جدید به‌ویژه در زمینه ارتباطات و اطلاعات بهره‌مند شوند که طبعاً این امر موجب گردیده تا تفرق‌ها و پراکندگی‌ها در سراسر جهان در حال تبدیل شدن به وحدت و اجتماع واحد انسانی گردد و وجه‌تمایزها رنگ باخته و از بین بروند. حاصل و نتیجه این فرایند طبیعی که از آن به‌عنوان "جهانی شدن" نام برده می‌شود، همانند یک چشم‌انداز حرکت آفرین و مشعشع فراروی اقوام، ملت‌ها و دولت‌ها قرار دارد و تمامی متغیرها به‌سرعت در حال همسو و هماهنگ شدن با آن می‌باشند. البته در این راستا قطب‌های بزرگ ثروت و قدرت در تلاش‌اند تا ضمن جلوگیری از دست‌یابی کشورها و ملت‌های مستقل و آزاده به این علوم و فناوری‌ها به‌منظور حفظ فاصله ابرقدرتی و تثبیت سلطه و هژمونی، آینده را آن‌طوری که خودشان می‌خواهند تصویر کرده و همانند چند قرن اخیر، سلطه و سیطره خود را بر منابع و امکانات جهانی تحکیم بخشیده و استمرار آنرا تضمین نمایند.

از سوی دیگر حرکت‌های ضدسلطه و استعمارستیز در بخش عظیمی از توده‌های مستضعف در نقاط مختلف دنیا در قالب نوعی خیزش و بیداری علیه نظام حاکم مشاهده می‌شود که در جهت مقابله و منازعه با ایادی سلطه و استکبار در حال رشد و فراگیر شدن است و این معرکه و تقابل، محل تعارض و چالش اساسی دوران معاصر است.

جمهوری اسلامی ایران در مناسبات جهانی خود، یکی از مهمترین اولویت‌های خود را آگاهی‌بخشی به ملل و توده‌های مستضعف و تحت ستم و نیز کشورهای قرار داده که تاکنون محلی از اعراب نداشته و در مناسبات بین‌المللی روی آنان هیچ حسابی باز نشده است. سرمایه‌گذاری در این عرصه که شاکله اصلی آنرا فرهنگ البته نه فقط

فطرت پاک انسانی تشکیل می‌دهد، بسیار پرهزینه و مخاطره‌آمیز است لیکن حزم و دوران‌دیشی و درایت توأم با تدبیر و شجاعت می‌تواند با موفقیت و کامیابی نهایی قرین گردد.

در اینجا اولین نکته‌ای که به ذهن متبادر می‌گردد، این است که آیا واقعا این تغییرات، نشانه و علامت وقوع پارادایم جدیدی است؟ و آیا می‌توان آنرا پارادایم «جهانی شدن» نامید؟ به عبارت دیگر سؤال اصلی این پژوهش اینست که ویژگی‌های پارادایم «جهانی شدن» کدام است و علائم آن چیست؟

مفهوم پارادایم

"کوهن" (1978) برای اولین بار بحث پارادایم را مطرح و این واژه را در مورد تاریخ علم در رشته فیزیک این‌طور تعریف نمود: پارادایم یک پرتو و لایه‌ای از حقیقت است که محدوده‌ای از عالم هستی و قواعد آنرا برای ما باز می‌کند و پیش-فرض‌ها و باورها و برداشت‌های ما را نسبت به موضوعات تعیین می-کند. (کوهن، 1387: 13-18)

پارادایم مثل نقشه‌ای است که راه را به ما نشان می‌دهد ولی خودش واقعیت راه نیست. با ظهور هر پارادایم و حاکمیت آن، قواعد و قوانینی بر محیط کسب‌وکار و زندگی حاکم می‌شود که قواعد قبلی را از بین می‌برد و یا خیلی محدود می‌کند. البته تا زمانی که پارادایمی حاکم است، قواعد خاص خودش را دارد و بایستی به آن عمل شود.

با شروع هر پارادایم همه به نقطه صفر می‌رسند و اگر یک کشور و یا یک شرکت بتواند یک پارادایم نو ظهور را قبل از دیگران کشف و ضوابط و روابط آنرا درک کند، خواهد توانست کشورها یا شرکت‌های رقیب را از صحنه رقابت حذف و یا به کلی از

"ژول بارکر"³ (1992) در کتاب خود تحت عنوان "پارادایم‌ها" می‌نویسد: «پارادایم مجموعه‌ای از قواعد است، مدلی است برای چگونگی حل مسائل؛ فرصت‌هایی است که باید آنها را شناخت». (آشتیانی، 1389: 91)

هنگامی که پارادایم جدیدی از راه می‌رسد، پایبندی به قواعد و ضابطه‌های پارادایم قبلی، مسیری شکننده و نابودکننده است و تنها کشورها و شرکت‌هایی در فضای جدید موفق و پیش‌تاز خواهند بود که قبل از دیگران علائم و نشانه‌های نزدیک شدن پارادایم را تشخیص داده و خود را با مقررات و قواعد پارادایم جدید وفق داده و از فرصت‌های موجود در بطن آن حداکثر استفاده را کرده و با آینده‌نگری و آینده‌نگاری مطلوب، حتی‌الامکان مسیر حوادث و تحولات پیش‌رو را در جهت دلخواه خود سوق داده و یا با آن همسو و هماهنگ شوند.

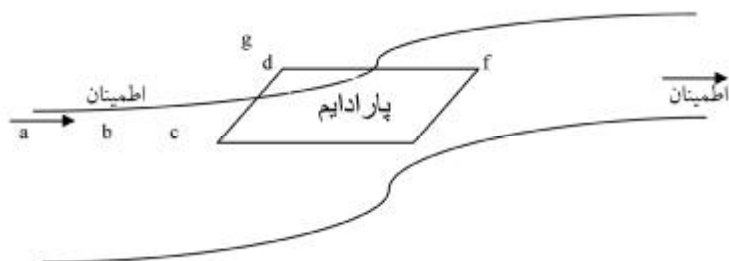
"یان ترنر"⁴ استاد کالج مدیریت هنلی می‌گوید: «استراتژیست‌ها، باید با پارادایم جدید حرکت کنند. استراتژی اثربخش، تنها بر پایه تغییر قواعد و منطق موجود میسر خواهد بود. پارادایم‌های آینده‌ساز استراتژی‌های بدیع خلق می‌کنند، قواعد جدیدی از هستی را رمزگشایی کرده و انسان‌را به سطح بالاتری از معارف هستی رهنمون می‌سازند.

در اینجا به حدیث بسیار راه‌گشا و ارزشمندی از امیر کلام حضرت علی (علیه السلام) اشاره می‌شود که حضرت فرمودند: "من استقبل الامور ابصر، من استدبر الامور تحیر" یعنی هر کس به استقبال امور و حوادث در حال وقوع برود، بینش و بصیرت خواهد یافت. همچنین هر کس به امور و حوادث پیش‌رو پشت کرده و بی‌اعتنایی کند، دچار حیرت و سرگردانی خواهد شد.

مراحل شکل‌گیری پارادایم

معمولاً در هر برهه زمانی ما در یک پارادایم با ویژگی‌ها و مختصات خاص خودش قرار داریم و به‌طور طبیعی از قواعد و ضوابط ناشی از آن پیروی و تبعیت می‌کنیم. بنابراین زمانی که پارادایم جدیدی در حال تکوین و شکل‌گیری است، در اینجا بحث انتقال پارادایم و عبور از فضای فعلی حاکم بر قضایا و تحولات به فضای جدید مطرح می‌شود. یعنی پذیرفتن قوانین و مقررات جدید مرتبط با پارادایم در حال تولد. فرانک موندو⁵ در مورد تکوین پارادایم‌ها می‌نویسد: «پارادایم‌ها، ادراک ما از هستی هستند و هنگامی که پای‌بندی به دیدگاه‌های یک پارادایم مرتباً به نتایج غلطی منجر می‌شود، زمان بازنگری و تغییر فرا رسیده است. فرایند انتقال پارادایم با دو نشانه همزمان شکل می‌گیرد: بروز پدیده‌هایی که پارادایم جاری در پاسخگویی به آنها ناتوان است و طرح نظریه‌های جدید برای پاسخگویی به این پدیده‌ها». این تغییر و تحولات معمولاً از یک نقطه آغاز و پس از طی مراحل و عبور از فراز و نشیب‌هایی در نقطه دیگری فرود می‌آید. این فرایند در نمودار شماره (1) به‌خوبی ترسیم شده و موقعیت‌های مختلفی را نشان می‌دهد.

همان‌طوری که گفته شد، کشورها، شرکت‌ها و سازمان‌ها در حالت طبیعی در وضعیت a قرار دارند که در این نمودار به آن دوران اطمینان گفته می‌شود. یعنی همه چیز طبق روال جاری و معمول انجام می‌گیرد. در حالت a هیچ‌کس نمی‌تواند علائم و نشانه‌های پارادایم جدید را تشخیص دهد. وقتی زمان می‌گذرد، به دوران b می‌رسیم که وقوع پارادایم جدید کمی نزدیک شده است. در این مقطع فقط متفکران، آینده‌شناسان و نظریه‌پردازان علائم و پالس‌های بسیار کم‌سو و غیرقابل درک عمومی را دریافت کرده و با تحلیل آن، قواعد پارادایم جدید را پیش‌بینی و برآورد می‌کنند.



منبع: (حسن بیگی، 1386: 110)

در حالت c پارادایم جدید توسط سازمان‌ها و شرکت‌های پیشتاز و ریسک‌پذیر (خطرجو) درک شده و آنها به استقبال قواعد و ضوابط آن می‌روند.

وضعیت d شرایطی است که در آن مقطع، سازمان‌ها و شرکت‌های یادگیرنده (و حساس به محیط) پارادایم و ویژگی‌های آنرا درک کرده و به استقبال آن می‌شتابند.

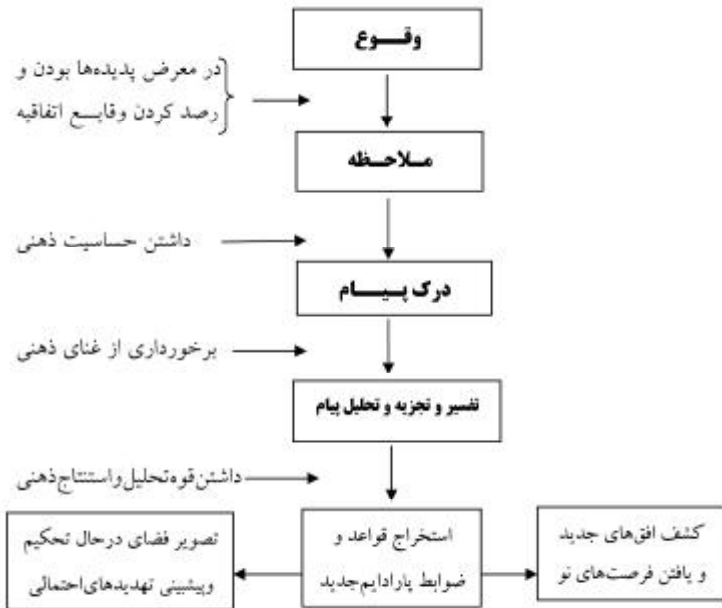
در موقعیت e سازمان‌ها و شرکت‌های دنباله‌رو و هوشیار ضمن درک پارادایم جدید، خود را با آن وفق می‌دهند.

در وضعیت f که پارادایم کاملاً اتفاق افتاده و فضای جدیدی را بر محیط زندگی و کسب و کار حاکم کرده، همه نهادها و سازمان‌ها و ... پارادایم جدید را درک و با آن هماهنگ شده و خود را در وضعیت جدیدی می‌یابند و بر اساس قوانین و مقررات جدید به رقابت و یا تعامل با هم می‌پردازند. بالاخره موقعیت g وضعیتی است که دو مرتبه حالت اطمینان و پایداری در پارادایم به وجود می‌آید و کلیه سازمان‌ها و شرکت‌ها و یا کشورهایی که پارادایم را به‌ر دلیل درک نکرده و خود را با آن وفق نداده باشند، از میدان رقابت کنار رفته و یا به کلی از صحنه حذف خواهند شد.

فرایند پارادایم از منظر دیگری نیز قابل تفکیک و فازبندی می‌باشد به این نحو که پدیده‌های زیادی در صحنه مشاهده می‌شوند و این پدیده‌ها ممکن است حامل پیام‌های خام و مبهم مربوط به یک پارادایم جدید باشند لذا هر سازمان و یا شرکتی (همین‌طور کشور و یا واحد سیاسی) برای اینکه بتواند پیام‌ها و پالس‌های مربوط به

پارادایم جدید را دریافت و پس از رفع ابهام و رمزشکنی، آنرا مورد بهره‌برداری قرار دهد، لازم است که گام‌های زیر را بردارد:

نمودار شماره (2): گام‌های شکل‌گیری پارادایم



منبع: (همان)

شبه‌پارادایم

در تعریف پارادایم آنچه عمدتاً مورد نظر و مورد مذاقه است، قواعد و ضوابط ناشی از آن می‌باشد که فضای جدیدی را بر محیط کسب و کار و تعاملات بین‌المللی حاکم می‌کند. بنابر این چنانچه این قواعد و ضوابط به صورت قراردادی و توافقی در محدوده‌های اعم از کوچک یا بزرگ نیز حاکم گردد، شبه‌پارادایم به وجود می‌آید و

سازمان تجارت جهانی است که با برداشتن تعرفه‌ها، قاعده قدرت تولید را به‌جای آن حاکم کرده و کلیه کشورها و سازمان‌های کوچک و بزرگ را در تنگنا و فشار خردکننده‌ای قرار داده و آنها را وادار به پذیرش مقررات تعریف‌شده در تجارت جهانی و تبادلات بین‌المللی می‌کند.

گرچه بین پارادایم و شبه‌پارادایم در بسیاری از موارد من‌جمله نتایج حاصله و طرد و یا حذف عناصر ناهمگون و غیرمنطبق با مقررات موضوعه مشابهت و تطابق زیادی فیما بین آنها وجود دارد، ولی در عین حال وجوه تمایز و اختلافاتی نیز با هم دارند که برخی از این وجوه به شرح جدول شماره 1 قابل ارایه و دسته‌بندی می‌باشند.

جدول شماره (1): مقایسه‌ای پارادایم و شبه‌پارادایم

شبه‌پارادایم	پارادایم	خصوصیت و ویژگی	ردیف
وضع و پذیرش جامعه	کشف و پذیرش جامعه	چگونگی ظهور پارادایم یا شبه‌پارادایم	1
توافق جامعه (باجایگزینی و یا بدون جایگزینی)	ظهور پارادایم جدید	اضمحلال " " " "	2
رفع تنازع	راهنمای حقیقت	منظور " " " "	3
در هر زمان امکان‌پذیر است	در درازمدت امکان-ناپذیر است	نفی قواعد " " " "	4
توافق و پذیرش جامعه	قواعد هستی	منشأ " " " "	5
ملی، منطقه‌ای تا جهانی	جهانی	حیطه شمول " " " "	6

تقابل و تعارض تا همکاری	حذف و جایگزینی	همگنی با سایر موارد مشابه " " " "	7
روشن و واضح برای عموم	بسیار کم سو و غیرقابل درک برای- عموم	علائم ظهور " " " " "	8

فرایند آینده‌نگری⁶

در بسیاری از نوشتارها، کتب و نشریاتی که در مورد آینده‌نگری منتشر شده، تعریف خاص و دقیقی از این واژه ارائه نشده و عمدتاً با ذکر مصادیق، اهداف، روش‌ها و اصول آینده‌نگری، سعی در تبیین آن به عمل آمده است. در برخی منابع، آینده‌نگری معادل و مترادف آینده‌نگاری و در بعضی نیز آنرا با واژه آینده‌پژوهی یکسان فرض کرده‌اند در صورتی که به‌طور قطع هریک از این واژه‌ها دارای بار معنایی خاص خود بوده و بایستی در مفهوم خود مورد استفاده قرار گیرند.

در هر حال تعریف لغوی واژه آینده‌نگری طبق فرهنگ لغت وبستر، مطالعه دقیق و موشکافانه در مورد شرایط محتمل و یا مفروض آینده از طریق مقایسه شواهد و روندهای شناخته‌شده. همچنین طبق تعریف یکی از مؤسسات تحقیقاتی در امریکا آینده‌نگری، تلاشی نظام‌مند برای بررسی آینده بلندمدت علوم، فناوری، اقتصاد و ... به‌منظور شناسایی حوزه‌های نوظهور است. (ندری و همکاران، 20: 1382)

البته همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تعاریف فوق صرفاً با نگاه مادی و متأثر از فرهنگ سکولار به موضوع معطوف است در حالی که بایستی واژه آینده‌نگری، «توانایی تصور آینده از طریق مطالعه، تحقیق و یا تصویرپردازی با بهره‌مندی از روش‌های علمی، آموزه‌های دینی و یا کشف و شهود غیرمادی» تعریف شود تا کلیه جنبه‌ها به-خصوص ابعاد متکی به وحی نیز در آن لحاظ گردد.

با توجه به این تعریف جدید، در فرایند آینده‌نگری بایستی به پنج عامل اساسی و تعیین‌کننده توجه داشت. بدیهی است بدون نگاه عالمانه و تحلیل دقیق جزء به جزء این پنج عامل نمی‌توان مسیر تحولات و حوادث در حال شکل‌گیری را رصد کرده و دورنمایی از آنها را ترسیم نمود:

1. اولین عامل، روندها است یعنی وقایع و تحولات گذشته همیشه بسترساز و زمینه‌ساز شکل‌گیری و ایجاد نطفه برای بسیاری از حوادث و تحولات آتی است؛ البته توأم با شرایط و مقتضیات دیگری که به آنها نیز اشاره می‌شود.

2. دومین عامل، تحولات مهم و نقاط عطف است. وقتی به گذشته و تاریخ پیشینیان نگاه می‌کنیم، کاملاً محسوس و مشهود است که برخی نقاط خاص، مسیر تاریخ را دستخوش تغییرات اساسی کرده و شیب و زاویه پیشرفت و یا انحطاط را به صورت قابل ملاحظه‌ای افزایش داده و یا جهت تحولات را معکوس نموده است. به‌عنوان مثال وقوع انقلاب اسلامی یا انفجار برج‌های دوقلو در یازدهم سپتامبر همچنین فروریختن دیوار برلین و خاتمه دوران جنگ سرد همگی صرف‌نظر از شدت و ضعف آنها، مسیر تحولات بعدی را تحت‌تأثیر جدی خود قرار داده و معادلات خطی و تک مجهولی را به دو و یا چند مجهولی مبدل ساخته‌اند.

3. سومین عامل، تصویرها و چشم‌اندازهای ما از آینده است که این امر نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده‌نگاری خواهد داشت. به‌عبارت دیگر این عامل، رویکرد و جهت‌گیری اصلی ما به سمت آینده را تعیین خواهد کرد.

4. چهارمین عامل، اقدامات و میزان سرمایه‌گذاری ما است که برای رفتن به آینده موردنظر تهیه و تدارک می‌بینیم. بدیهی است هرچه توان و اهتمام بیشتری در جهت رسیدن به آینده مطلوب به صحنه بیاوریم مسلماً توفیق و کامیابی بیشتری خواهیم داشت.

5. پنجمین عامل که بیشتر جنبه اعتقادی دارد، بحث امدادهای غیبی است. در طول سال‌های دفاع مقدس و نیز در سال‌های بعد از آن در بسیاری از مقاطع حساس و نقاط بحرانی، اتفاقاتی در عرصه داخلی و جهانی به وقوع پیوست که ما به استناد منابع دینی مان از آنها به عنوان امدادهای غیبی نام می‌بریم و معتقدیم این تحولات به هیچ وجه با معادلات مادی و محاسبات معمولی قابل سنجش و پیش‌بینی نیست و فقط با مطالعه اخبار و احادیث واصله از معصومین (ع) می‌توان دورنمایی از چنین حوادث را تحلیل و پیش‌بینی نمود.

در اینکه آینده‌نگر کیست و چه ویژگی‌هایی دارد، اختلاف نظر چندانی وجود ندارد و می‌توان گفت او فردی است که ساعت‌ها فکر می‌کند و با استفاده از ابزارهای فهم و درک بهتر، مسائل را رصد می‌کند تا بفهمد در آینده چه وقایع و اتفاقاتی رخ می‌دهد و به خصوص بیشتر به دنبال شناسایی عوامل، ریشه‌ها، اثرات و تحولات است و به بیان بهتر آینده‌نگر یک برنامه‌ریز و یک استراتژیست است و نه یک ساحر و یا یک پیشگو، فلذا ویژگی‌های زیر با برجستگی شایان توجهی در آنها ملاحظه می‌شود:

ن آینده‌نگران از افق دید وسیع و بلندمدتی برخوردارند؛

ن دارای قدرت استنتاج، تعمیم و خلاقیت هستند؛

ن مسائل روزمره زندگی برای آنها جذابیت کمتری داشته و از تحول و دگرگونی استقبال می‌کنند؛

ن قدرت خیال‌پردازی (به معنای مثبت آن) در این گروه بیش از سایر افراد است؛

ن کمتر در چارچوب قواعد و روابط جاری می‌گنجند؛

ن در نگاه به وقایع اتفاقیه بسیار کنجکاو، در ابراز عقیده، جسور و در تشریح مسائل موجود، کلی‌نگر هستند؛

ن در مطالعات خود از غور و تعمق بیشتری در نقاط تاریک و مبهم برخوردار و

ن در تنگناها و بن‌بست‌ها افکار و ایده‌های بدیع و بکری را ارایه می‌دهند.

مهمترین اهداف و مقاصد تلاش‌ها و فعالیت‌های آینده‌نگران حول محورهای زیر می‌باشد:

- تلاش در راستای ترسیم سناریوها و آینده‌های محتمل؛
 - برآورد احتمالات ممکن، مناظر با هر یک از سناریوهای ترسیمی؛
 - تبیین مطلوب‌ترین آینده، با توجه به گرایش ذاتی آینده‌نگر؛
 - تلاش جهت متقاعد نمودن دیگران برای حرکت به سمت آینده موردنظر؛
 - تفسیر تحولات و وقایع اتفاقیه در راستای آینده‌تصورشده.
- آنچه در این بحث مدنظر است اینکه صاحب‌نظران و اندیشمندان ایرانی با استفاده از منابع غنی دینی و تجزیه و تحلیل مسائل جاری به‌خوبی این توانایی و شایستگی را دارند که درتحلیل و شناخت افق‌های آینده، به آینده‌نگری (برپایه اصول و مبانی اسلامی) پرداخته و پیش از دیگران و بیش از آنها درک و فهم روشن و دقیق‌تری از آنچه در فراروی بشریت قرار گرفته به‌دست آورند.

جهانی شدن

گذشته از اینکه مفهوم "جهانی‌شدن" معانی مختلفی داشته و یا قرائت‌های گوناگونی از آن می‌شود ولی در این مقاله با تجزیه و تحلیل لغوی "جهانی‌شدن" صرفاً یک معنای عملیاتی و کاربردی از آن ارایه می‌شود.

معمولاً آنچه از واژه جهان به ذهن متبادر می‌گردد، همین معنای انتزاعی آن یعنی

جهان قرار می‌گیرد. بنابراین اگر «یای» صفت‌ساز به آن اضافه کنیم، واژه "جهانی" به دست می‌آید که در واقع یک صفت است که مقیاس موصوف خود را بیان می‌کند. وقتی گفته می‌شود "امنیت جهانی" یعنی مقیاس امنیت، فراتر از امنیت شهری، امنیت استانی، امنیت کشوری و امنیت منطقه‌ای است. همین‌طور وقتی حرف از "دغدغه‌های جهانی"، "تهدیدات جهانی" و... به میان می‌آید، منظور مقیاس این مباحث است. فعل مصدری «شدن» در واقع حاکی از امری است استمراری و فرایندی که اگر آنرا با واژه "جهانی" ترکیب کنیم این معنا از آن استخراج خواهد شد که مقیاس مسائل مختلف در حال تبدیل به مقیاس جهانی است و کلیه اجزای متفرق و پراکنده جهان فعلی در حال رفع تفرق و پراکندگی و نیل به وحدت و یکپارچگی است. سال‌ها است که سازمان‌ها و شرکت‌های کوچک و غیرقابل ملاحظه با سازوکارهای پیچیده مالی و مدیریتی در قالب تراست‌ها و کارتل‌های فراملی (جهانی) پا به عرصه "جهانی شدن" گذاشته و مقیاس مسائل و مشکلات مبتلابه خود را "جهانی" تعریف کرده‌اند. کشورها و واحدهای سیاسی نیز کم و بیش در حال تشکیل اتحادیه‌ها با قواعد و ویژگی‌های فراملی (پول واحد، تردد آزاد در محدوده کشورهای عضو اتحادیه، مجلس واحد و...) بوده و به‌نوعی در حال "جهانی شدن" هستند.

نکته بسیار مهم و قابل‌ملاحظه در امر "جهانی شدن" این است که علت رفع تفرق‌ها و پراکندگی‌ها و رسیدن به وحدت و یکپارچگی، اینرسی یا هم‌افزایی است به این معنی که دیگر 2+2 مساوی 4 نیست بلکه می‌تواند 5 و یا بیشتر باشد. بنابراین وقتی با این دورنما و افق، چندشرکت و سازمان کوچک به‌جای رقابت و تضعیف یکدیگر با هم در یک واحد بزرگتر حل شده و در قالب یک شرکت و یا یک سازمان هم‌افزا فعالیت می‌کنند، قدرت و توان شرکت و یا سازمان جدید قطعاً بسیار بیشتر از جمع جبری شرکت‌ها و سازمان‌های قبلی سازنده این واحد جدید است.

مسیر "جهانی شدن" یک راه کاملاً ضروری و غیرقابل اجتناب است. زیرا در دهه-

وجود آمده و سازمان‌های بین‌المللی کراراً نسبت به وخیم و بحرانی شدن مسائل هشدار داده‌اند. از یک سو جمعیت کره زمین با نرخ تصاعد هندسی در حال افزایش می‌باشد، حال آنکه در شرایط موجود درصد بسیار بالایی از جمعیت فعلی دنیا در تأمین نیازهای اولیه‌شان دچار بحران جدی هستند و بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زنند و از سوی دیگر دغدغه‌های مشترک جهانی ناشی از تهدیدها در ابعاد گوناگون به‌ویژه زیست محیطی رو به افزایش است و این در حالی است که مسائل و مشکلات موجود به‌دلیل پیچیدگی و ارتباط فوق‌العاده زیاد به‌هم و تأثیرپذیری از عوامل محیطی گوناگون، لاینحل باقیمانده و برطرف کردن مشکلات و حل آنها از عهده دولت‌ها و قدرت‌ها (به صورت منفرد) بر نمی‌آید و مستلزم عزم و اراده جهانی می‌باشد.

در یک نگاه کلی به دنیای معاصر، وضعیت به‌گونه‌ایست که گویا عرصه زندگی برای بشر امروز هر روز تنگ و تنگ‌تر شده و او را وادار به رویکرد جهانی و جایگزین کردن تعامل و همکاری به‌جای رقابت و منازعه می‌کند و این وضعیت خواه ناخواه و دیر یا زود راهی جز تلافی و پیوند مشترک تلاش‌ها و فعالیت‌های جهانی ندارد و چیزی که این مهم را بیش از پیش تسهیل و تسریع می‌کند، فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) است که با درنوردیدن مرزهای فیزیکی و قراردادی به استقبال و تمهید مقدمات و ملزومات "جهانی شدن" رفته است.

امروزه تشکیل اتحادیه‌ها و واحدهای سیاسی چندملیتی یک ضرورت جامعه بشری است که تاکنون نمونه‌هایی از آن شکل گرفته و مواردی نیز در حال شکل‌گیری و تکوین است. همچنین شرکت‌های معظم، متشکل از ده‌ها شرکت و کمپانی کوچک و بزرگ به‌صورت چندملیتی با داشتن شعبه و نمایندگی در چندین کشور به‌فعالیت مشغول بوده و کارها را در انحصار خود گرفته و بدون رقیب انجام می‌دهند.

در این راستا یکپارچه‌سازی بنگاه‌های خبرپراکنی، خبرگزاری‌ها و شبکه‌های

هم نزدیک کرده و از مرزهای فیزیکی، تنوع زبانی و قومیتی و اختلافات فرهنگی و ملیتی عبور نموده و در حال تغییر هویت‌های ملی به هویت جهانی است.

توسعه فراگیر دانش و فناوری و پیشرفت روزافزون اختراعات و اکتشافات در صنعت حمل و نقل، هوا-فضا، الکترونیک، مکانیک، بینوتکنولوژی، میکروالکترو مکانیک، نانوتکنولوژی و فناوری‌های مرتبط با اتم، کشاورزی، انرژی، اطلاعات و ارتباطات و صنایع نظامی، عامل اصلی تحولات و تغییرات شگفت‌انگیز کنونی است که نتایج آن عبارتست از:

- تغییر اساسی در ساختار جوامع و شیوه‌های زندگی، با افزایش نقش ماشین، صنعت و فناوری؛
- دگرگونی در نظام ارتباطات بین‌المللی و تجارت جهانی، با افزایش سرعت حمل و نقل و کاهش خارق‌العاده زمان در پیمودن فاصله‌ها؛
- ایجاد تحول در نظام اقتصادی و شیوه‌های تبلیغات و ارتباطات فرهنگی و سیاسی با افزایش قدرت تأثیرگذاری بر افکار عمومی و پخش سریع اخبار و رویدادها؛
- تغییرات بنیادین در روش‌های تعامل قدرت‌های سلطه‌گر با کشورهای غیرصنعتی و مجامع بین‌المللی؛
- تقویت روزافزون حوزه نفوذ مؤسسات و صاحبان فناوری در جوامعی که در عرصه شبکه‌های جهانی و ICT توسعه نیافته و با کمبود و نقصان مواجه‌اند؛
- از میان رفتن قرنطینه‌های حاکمیت‌های سیاسی با امکان ارتباط مستقیم صاحبان رسانه‌ها با مخاطبان در اقصی نقاط جهان؛
- تبدیل فناوری به مزیت اصلی در کسب ثروت و قدرت و افزایش توان کنترل-های امنیتی و اطلاعاتی؛
- تبدیل مجامع جهانی، رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و... به ابزار سلطه قدرت-های بزرگ؛

- بین‌المللی شدن اقتصاد و تجارت با ایجاد همگرایی در مناسبات اقتصادی و یکپارچه‌سازی اقتصاد جهانی و افزایش کانون‌های قدرت منطقه‌ای؛
- بین‌المللی شدن تبلیغات و محصولات فرهنگی در راستای یکسان‌سازی فرهنگی و تأثیرگذاری بر مدیران اقتصادی و سیاسی سراسر جهان؛
- ایجاد تغییر و دگرگونی در شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات، جاسوسی و مزدورسازی، با تجهیز سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی به فناوری‌های مدرن و پیشرفته ارتباطی و اطلاعاتی.

با توجه به آنچه مورد بحث قرار گرفت مسلماً در دهه‌ها و به‌ویژه سال‌های اخیر شیوه‌های مدیریتی حاکمان در روش اداره جوامع تغییر زیادی کرده و پیش‌بینی می‌شود در سال‌ها و دهه‌های آتی این تغییر و دگرگونی‌ها به‌صورت جهشی به‌وقوع پیوسته و چهره دنیا و مناسبات جهانی با وضعیت امروز آن به‌کلی متفاوت خواهد بود و این یعنی یک پارادایم واقعی که در این مقاله از آن به‌عنوان "پارادایم جهانی شدن" نام برده شده است.

تصویر مناسبات جهان آینده در منابع و متون دینی

آیات و روایاتی که نویدبخش دوران ظهور آخرین ذخیره الهی برای نجات بشریت است، مأموریت الهی آن حضرت را مأموریتی سترگ، با ابعاد گوناگون و اهدافی بسیار والا توصیف می‌کنند. این واقعه بزرگ زندگی را در کره ارض دگرگون و با ایجاد سازوکارهای نوین و حاکم نمودن قوانین و مقرراتی متفاوت با آنچه تاکنون تجربه شده، فصل تازه‌ای را بر روی بشریت می‌گشاید. اگر مأموریت ذاتی آن حضرت را فقط برچیدن بساط ظلم و ستم و نظام پیچیده و مخوف سلطه و استضعاف موجود و زنده کردن دوباره احکام ناب الهی و برپایی تمدن عادلانه و پرتوافشانی آن بر جهان بدانیم، کافی است. لیکن علاوه بر آن، تکامل شگرف در زندگی بشر از نظر

بود. این تحول عمیق و سریع بستری برای راهیابی به ژرفای هستی و دست‌یابی به اسرار آسمان‌ها و ساکنان آن ایجاد می‌کند و این موضوع مقدمه‌ای خواهد بود برای کشف بزرگترین رازهای عالم یعنی گشودن درهای علوم غیب و با خبر شدن از وقایع جهان پر رمز و راز آخرت. (کورانی، 1385: 323)

در اینجا به اقتضای موضوع مورد بحث (پارادایم)، صرفاً به تغییر قوانین و مقررات حاکم بر جهان مورد انتظار که در لسان اخبار و روایات با عباراتی نظیر سنت، دین، حکم، کتاب، فرائض و ... مؤکداً مورد اشاره قرار گرفته، بسنده و اکتفا می‌شود:

❖ در دعایی از امام رضا(ع) که برای روزهای جمعه در مفاتیح‌الجنان ذکر شده این‌طور می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَن وَلِيكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حِجَّتِكَ عَلَي خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمَعْبُورِ عَنكَ ... تا آنجا که می‌گوییم اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ عَنْهُمْ عِبَادَكَ وَ اعِزَّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ احِمْ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَ دَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ وَ جَلَدَكَ بِهٖ مَامَتِحِي مِنْ دِينِكَ وَ بَدَلْ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى تَعِيدَ دِينَكَ بِهٖ وَ عَلَي يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا مَحْضًا صَحِيحًا لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا بَدْعَهُ مَعَهُ ...

بارخدایا پاک گردان از آنها شهرهایت را و نجات بده از آنان بندگان را و عزیز گردان به وسیله او مؤمنین را و زنده کن به وسیله او راه و رسم‌های رسولان و حکم‌های کهنه شده پیامبران(ع) را و تازه گردان به وسیله او آنچه از دینت محو شده و از احکامات دگرگون شده تا اینکه به جای خود برگردد به وسیله او دین تو و با دست او تر و تازه، ناب و صحیح شود به طوری که هیچ کجی و انحراف و بدعتی در آن راه نیابد.

❖ در فرازهای پایانی دعای افتتاح که از ناحیه امام زمان(ع) وارد شده نیز می‌خوانیم: اللَّهُمَّ اظْهَرْ بِهٖ دِينَكَ وَ سَنَّهُ نَبِيِّكَ.

خداوندا آشکار کن به وسیله او دینت را و راه روشن پیامبرت(ص) را.

✓ همچنین در صلواتی که از ناحیه امام زمان (ع) برای روزهای جمعه وارد شده می‌خوانیم: *اللهم جلد به ما متحی من دینک و احی به ما بدل من کتابک و اظهر به ما غیر من حکمک حتی یعود دینک به علی یدیه غضاً جدیداً خالصاً مخلصاً لا شکّ فیه و لا شبهه معه و لا باطل عنده و لا بدعه لدیه...*

خداوند آنچه از دینت زایل شده را به وسیله او (امام زمان علیه السلام) بازسازی و احیا فرما و زنده کن به وسیله او آنچه از کتابت تبدیل شده و آشکار بساز به وسیله او آنچه از دستوراتت تغییر یافته تا اینکه دینت به وسیله او به حال اول بازگردد و با دست او تر و تازه، ناب و بی‌آلایش شود به طوری که دیگر شک و شبهه‌ای در آن نباشد و انحراف و بدعتی در آن راه نیابد.

✓ همین‌طور در دعای ندبه می‌خوانیم: *این المآخر لتجدید الفرائض و السنن...* کجاست آن ذخیره‌شده برای تجدید واجبات و راه و روش پیامبر (ص).

✓ در فرازی از دعای عهد نیز می‌خوانیم: *و مجدداً لما عطل من کتابک.* و تجدیدکننده هر آنچه که از احکام کتابت تعطیل شده.

چنانچه که ملاحظه می‌شود در فرازهای فوق و سایر ادعیه و روایات وارده با الفاظ و واژه‌های مختلفی بر تغییرات اساسی و قوانین و مقررات حاکم و روابط اجتماعی در تمامی عرصه‌ها اشاره شده به طوری که پس از ظهور حضرت و شروع بازسازی قواعد و ضوابط دینی، بعضی از افراد بی‌بصیرت در مقام اعتراض برآمده و مدعی خدشه به اسلام شده و به امام زمان (ع) ایراد می‌گیرند. بنابراین در زمان حضرت واقعاً یک پارادایم به معنای حقیقی کلمه ایجاد خواهد شد و فضای عمومی و حاکم بر آن دوران در همه سطوح و در تمامی ابعاد به کلی با زمان قبل از آن متفاوت خواهد بود.

از آنجایی که ماهیت و جنس انقلاب و نهضت اسلامی از بدو شکل‌گیری و پیدایش آن، به‌طور کلی فرهنگی و براساس بازگشت به هویت واقعی بوده و مبتنی بر آموزه‌های دینی است، لذا در کلیه اسناد بالادستی به‌ویژه قانون اساسی، این معنای بسیار پررنگ و برجسته مورد عنایت قرار گرفته که هدف‌گذاری‌ها، باید معطوف به نظام واحد جهانی حول کلمه توحید و برافراشتن پرچم لااله الاالله بر فراز کره ارض باشد.

در مقدمه قانون اساسی این‌طور آمده است: قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند به‌ویژه در گسترش روابط با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند (انّ هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

همچنین در اصل 154 آمده است: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و ...

و یا در بند 16 اصل 3 این‌طور آمده است: تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان. و نیز در اصل 11 می‌خوانیم: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

علاوه بر قانون اساسی، منابع و مدارک بسیار غنی و جامعی در متون و منابع دینی ما، آینده‌ای فوق‌العاده روشن و امیدبخش را فراروی بشریت تصویر، و سهم و نقش

ترسیم می‌نماید. جالب اینکه این قبیل اخبار و روایات در منابع اهل تسنن بسیار بیشتر از سایر فرق اسلامی است. که نمونه‌هایی از این احادیث اشاره می‌شود:

مسلم از ابوهریره روایت می‌کند: هنگامی که سوره جمعه نازل شد، ما نزد رسول خدا(ص) نشسته بودیم، وقتی حضرت این آیه را خواندند "و آخرین منهم لَمَّا يَلْحَقُوا بهم"، «و کسانی که هنوز به ایشان نپیوسته‌اند»، شخصی پرسید یا رسول‌الله(ص)! آنان کیانند؟ حضرت پاسخی ندادند تا دوباره و سه‌باره سؤال کرد. سلمان فارسی هم آنجا بود. حضرت دست بر شانه سلمان گذاشته و فرمودند: اگر ایمان در ثریا هم باشد، مردانی از ایران به آن خواهند رسید. (صحیح مسلم: 192/7)

احمدبن حنبل روایت می‌کند: پیامبر (ص) فرمودند: نزدیک است که خداوند متعال اطراف شما را از عجم پرکند، آنان چون شیرانی هستند که نمی‌گریزند. با دشمنان شما می‌جنگند و از غنائم شما استفاده نمی‌کنند. (مسند احمد: 11/5)

ابونعیم از ابوهریره روایت می‌کند: نزد رسول خدا(ص) یادی از عجم شد، حضرت فرمودند: به‌خدا قسم اطمینان من به آنها بیش از اطمینان به شما یا بعضی از شما است. (ذکر اصبهان: 12 و سنن ترمذی: 382/5)

ابن ابی‌الحدید روایت می‌کند: اشعث بن قیس از میان جمعیت خود را به علی(ع) رساند و گفت: یا امیرالمؤمنین(ع)! این سرخ رویان (یعنی ایرانیان) که اطراف شما را گرفته‌اند، بر ما عرب‌ها غلبه کرده‌اند. حضرت پس از جملاتی فرمودند: قسم به کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، ایرانیان شما را برای بازگشت به دین خواهند کوبید، چنانکه شما آنها را برای دین کوبیدید. (شرح نهج البلاغه: 284/20)

ابونعیم از ابن عباس روایت می‌کند: نزد رسول خدا(ص) از ایرانیان سخن به میان آمد، حضرت فرمودند: ایرانیان پشتوانه ما اهل بیت‌اند. و در حدیث دیگری از همین شخص است که از طریق حذیفه روایت می‌کند: رسول خدا(ص) فرمودند: خواب دیدم که گوسفندان سیاه به دنبال من هستند، سپس گوسفندان سفید به آنها اضافه

سیاهی که به دنبال شما بودند، عرب‌ها هستند و گوسفندان سفید، عجم‌هایی که از شما پیروی خواهند کرد که آنقدر زیاد می‌شوند که دیگر عرب‌ها در میان آنها به چشم نمی‌آیند. رسول خدا(ص) فرمودند: فرشتگان نیز همین‌گونه خواب را تعبیر نمودند. (ذکر اصبهان: 8)

علامه علی کورانی اهل عراق، در کتاب عصر ظهور می‌نویسد: احادیث نبوی در ستایش ایرانیان در منابع اهل تسنن به قدری زیاد است که یک محقق به راحتی می‌تواند کتابی در فضایل و مناقب ایرانی‌ها و برتری آنها بر عرب‌ها با استناد به روایات سنی‌ها به رشته تحریر درآورد. (کورانی، 1385: 313)

شایان ذکر است آنچه که مربوط به نقش ایرانیان در فرایند جهانی شدن در لسان اخبار و احادیث فراوان به آن اشاره شده، تحت‌عنوانی نه‌گانه: "عجم، قوم سلمان (ع)، فارس، سرخ رویان، اهل مشرق، اهل خراسان، صاحبان پرچم‌های سیاه، اهل قم و اهل طالقان" می‌باشد.

علاوه بر مباحث آرمانی و دینی در برنامه‌ریزی‌های اجرایی کشورمان نیز موضوع "جهانی‌شدن" برجستگی داشته و به آن توجه خاصی شده است که در این خصوص بایستی با توجه به عمق نگاه و عنایت ویژه متون و منابع اسلامی به مبحث مهدویت، با جدیت و تلاش بیشتری به مسائل درحال تحقق و آینده پیش‌رو پرداخت و ضمن رصد کردن آنها و تجزیه و تحلیل تحولات و وقایع اتفاقیه و حدس آگاهانه و برگرفته از منابع مذکور، فرایند آینده‌نگری و آینده‌نگاری را طی و جزو اولین کسانی باشیم که پارادایم آتی را به درستی درک کرده و شرایط خود را با آن وفق داده و مهیای بهره‌مندی از فرصت‌های بیشمار آن هستند.

در این راستا برداشتن گام‌های زیر از اولویت‌ها به‌شمار می‌رود:

1. تمرکز تلاش‌ها و هدف‌گذاری مطلوب در موضوعات مشترک و مبتلابه جهانی و شناخت دغدغه‌ها و نگرانی‌های مشترک جهانی به منظور بهره‌برداری از آن در

2. ارتقای شناخت و آگاهی آحاد ملت‌ها و انسان‌ها در جهت افزایش درک هویت خود، رابطه اصولی با پدیده "جهانی‌شدن" و خلق فرصت‌های طلایی و سرعت بخش برای تحقق عدالت به مفهوم کلان آن.
3. ارتقای نقش و سهم شایسته ایران در شکل‌دهی آینده مشترک جهانی مبتنی بر آموزه‌های عمیق آسمانی و فرهنگ و تمدن اسلامی با استفاده از ظرفیت‌های حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها برای تولید ادبیات جدید بر پایه "جهانی‌شدن".
4. تبیین و اشاعه فرهنگ مدیریت مشترک جهانی در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر نقد و بررسی وضعیت مدیریت کلان حوزه‌های مختلف.
5. شناخت ظرفیت‌های بالقوه جهانی، ارتقاء، توسعه، تعمیق و هم‌افزایی آن با ایجاد و ارائه تعابیر رسا از پدیده متعالی، بالنده، پرتألولو درخشان "جهانی‌شدن".
6. تعمیق نگرش آحاد ملت‌ها و انسان‌ها به مفهوم "جهانی‌شدن" از طریق تبیین و تفسیر آینده روشن و مطلوب پیش رو و تلاش جهت ایجاد باور عمیق و امید و اطمینان در آنها به انطباق تحولات جاری جهانی با جریان تاریخی منتهی به "جهانی‌شدن".
7. تحقق ظرفیت‌های بی‌نهایت برای رسیدن انسان و جهان به کمال و گشایش افق تابناک پیش‌روی بشریت براساس حرکت در جریان عمومی تحولات کلان هستی.
8. توسعه پژوهش‌های تخصصی برای مشارکت در تدوین سیاست‌ها و راهبردهای موضوع‌های جهانی در جریان مذاکرات، الحاق و تعامل با سازمان‌ها و کنوانسیون‌های جهانی.
9. ارتقاء و توسعه فعالیت‌های تحقیقاتی در مراکز علمی در زمینه "جهانی‌شدن" در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ...

10. همکاری با مجامع و مراکز مرتبط با مبحث "جهانی‌شدن" در کشورهای اسلامی، دوست و در حال توسعه برای ایجاد دیدگاه مشترک نیل به مواضعی هماهنگ در مجامع بین‌المللی و در عین حال پرهیز از برخورد انفعالی و خودباخته با پدیده "جهانی‌شدن" در جهت حفظ هویت و امنیت ملی.
11. عدم برخورد سلبی و انزواجویانه با پدیده "جهانی‌شدن" و نادیده نگرفتن کلیه جنبه‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، به‌منظور مقابله با ناکامی، یأس و تردید در توانمندی هویت و فرهنگ دینی - ملی.
12. برخورد متناسب و در عین حال هماهنگ با ابعاد ناشناخته پدیده جهانی‌شدن، با توجه به حساسیت‌های آرمانی نظام و توان تاریخی فرهنگ اسلامی - ایرانی.
13. گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت مقابله با جهانی‌سازی تحمیلی استکبار جهانی، از طریق تنش‌زدایی در روابط بین‌الملل.
14. همکاری در زمینه تولید برنامه‌های رادیو و تلویزیونی به زبان‌های زنده دنیا مرتبط با موضوعات "جهانی‌شدن" و تلاش در جهت معرفی زمینه‌های قوت فرهنگ اسلامی - ایرانی در تجربه تاریخی جذب، پالایش و تغییر جهت‌دهی عناصر مختلف فرهنگی.

فهرست منابع

- (1) «امام مهدی (ع) در احادیث شیعه و سنی»، جمعی از محققان، 1388، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع).
- (2) توماس نیکلس، 1382 «اهمیت پارادایم‌ها»، ترجمه امیرحسین تیموری، تهران: نشر آگاه.
- (3) حائری پور محمد مهدی و دیگران، 1388 «نگین آفرینش»، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع).

- 4) شاکری زواردهی، روح الله، 1388 «ضرورت طرح مباحث مهدویت»، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع).
- 5) شورمن فرنس، 1380 «پارادایم‌های از دست رفته، پارادایم‌های احیا شده»، ترجمه محمد حاجی‌یوسفی، (بهار 1380) تهران: امیرکبیر .
- 6) کورانی علی، 1385 «عصر ظهور»، ترجمه مهدی حقی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر کبیر .
- 7) کوهن، تامس ساموئل، 1387 «پارادایم‌های مفهومی، پارادایم‌های ارزشی و عقلانیت علمی»، ترجمه یاسر خوشنویس .
- 8) ندری کامران و دیگران، 1382 «بررسی تحلیلی اصول، قواعد و روش‌های آینده نگری»، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- 9) واعظی حسن، 1387 «استعمار فرانسه، جهانی سازی و انقلاب اسلامی»، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی(ره).
- 10) یوسفیان، مهدی، 1388 «طلوع خورشید»، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(ع).